

واگذاری ۶۰ شرکت شستا تا پایان سال

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از واگذاری ۶۰ شرکت شستا تا پایان سال جاری خبر داد. ربیعی در نشست مشترک با ستاد اقتصاد مقاومتی و کارگروه اشتغال و سرمایه گذاری شهر هریس در استان آذربایجان شرقی، گفت: «بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، سازمان تامین اجتماعی مکلف است شرکت های سرمایه گذاری زیرنظر خود را به بخش خصوصی واگذار کند. در این راستا تا به حال ۵۰ شرکت شستا واگذار شده و قرار است تا پایان سال جاری ۶۰ شرکت دیگر را نیز واگذار کنیم.»

یکشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۷ ● شماره صد و شصت و یک

ا ت ی چ ع ه ن و



مرکز پژوهش‌های مجلس تحلیل کرد

چرایی جاماندگی صنعت از اشتغال



بنگاه‌های بزرگ در ایران نقش مهمی در اشتغال ایفا می کنند و علی رغم تعداد کمتر در مقایسه با بنگاه‌های کوچک و متوسط، حدود ۵۰ درصد اشتغال ایجاد کرده‌اند.

بزرگ، سومین عاملی است که به زعم مرکز پژوهش‌های مجلس در راهبردهای اشتغالی کشورهایمانند کره جنوبی خودنمایی می کند. علاوه بر این، دولت‌های این چهار کشور سیاست‌هایی را برای افزایش مقیاس بنگاه‌ها یا ایجاد گروه‌های کسب‌وکاری به کار برده‌اند که در این میان بیشترین اقدامات را کره جنوبی انجام داده که تنها با دخالت مستقیم در بازار و تعطیلی بنگاه‌های کوچک و ناکارآمد و تقسیم بازار میان بنگاه‌ها، به رشد مقیاس بنگاه‌ها کمک کرد. اصلاح ساختار انگیزی‌ش چهارمین اصلی است که به گفته مرکز پژوهش‌های مجلس در میان کشورهای موفق در حال توسعه مشترک است: «در تمامی کشورهای مورد اشاره سیاست‌گذاران مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای تشویق فعالیت بنگاه‌های تولیدی و کمک به رشد صنعتی در پیش گرفته‌اند. این سیاست‌ها طیف گسترده‌ای از دادن وام و معافیت مالیاتی تا حمایت و دادن مشاوره را شامل شده است.» تغییر در نظام تولید نیز از دیگر اتفاقاتی است که بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس از آن به عنوان راهبردی موفق در اشتغال زایی یاد کرده است. این گزارش بعد از مرور کشورهای یادشده در زمینه اشتغال، به وضعیت اقتصادی ایران و شاخص‌های خطرناک آن می رسد و بر همین اساس، پیشنهادهای مشخص خود را به اقتصاد

پژوهش

متأسفانه برداشت درستی از رویکرد نوکلاسیکی در ایران وجود ندارد. سیاست‌گذاران کشور با برداشتی از نظر به نوکلاسیک که مرتبط با دو دهه قبل است، اساس توسعه را افزایش سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی و راهکار دستیابی به آن را نیز مجموعه‌ای از پروژه‌ها می دانند.

بازاریابی ناکارآمد در صنایع کوچک

نبود شرکت‌هایی که می‌توانند حلقه وصل محصولات داخلی به بازارهای صادراتی باشند، از دست داده‌اند. در همه دنیا، سهم بنگاه‌های کوچک از صادرات چیزی حدود ۵۰ درصد است در حالی که این سهم در کشور ما تنها پنج درصد است. این نشان می‌دهد صنایع کوچک در این کشورها به همت دولت به راحتی به بازارهای جهانی وصل شده‌اند در حالی که در داخل کشور کمترین تلاشی برای وصل شرکت‌ها به بازارهای صادراتی انجام نشده است. این مسئله جدا از موارد دیگر، حامل این نکته مهم است که ما نتوانستیم در توسعه خوشه‌های صنعتی، موفق عمل کنیم و حتی در برنامه ریزی‌هایی که برای توسعه صنایع کوچک بنا نهاده شده، موفق نبوده‌ایم. به دلیل نبود شرکت‌های مدیریت صادرات در داخل که به نمایندگی از شرکت‌های



کتینو | ۰۹

معنای آن، وجود بیکاری پنهان است.» وضعیت بنگاه‌های تولیدی کشور شاخص دیگری است که مرکز پژوهش‌ها به ارزیابی آن پرداخته است. بر اساس آمارها صنایع کوچک با داشتن ۲۴ درصد سرمایه در مجموع ۴۱ درصد اشتغال ایجاد می کنند، اما ارزش افزوده‌ای که طی ۱۰ سال منتهی به زمستان ایجاد کرده‌اند از ۱۶ به ۱۱ درصد رسیده که نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچک و متوسط ایران عملاً نقشی چندان در ایجاد ارزش افزوده ندارند و تنها نیروی کار را فرسوده می کنند. وضعیت بنگاه‌های بزرگ به نظر مرکز پژوهش‌ها چندان معقول نیست. نه اندازه بنگاه‌ها در ایران مناسب است و نه بنگاه‌های بزرگ نقشی که باید را ایفا می کنند. هیچ شرکتی از ایران در میان ۵۰۰ شرکت برتر جهان وجود ندارد در حالی که کشورهایی مانند لهستان، مالزی و عربستان حداقل یک شرکت در لیست شرکت‌های برتر دنیا دارند. با این همه بنا به ارزیابی مرکز پژوهش‌ها، بنگاه‌های بزرگ در ایران نقش مهمی در اشتغال ایفا می کنند و علی‌رغم تعداد کمتر در مقایسه با بنگاه‌های کوچک و متوسط، حدود ۵۰ درصد اشتغال ایجاد کرده‌اند و در زمینه ارزش افزوده نیز طی ۱۰ سال اخیر، ۹۰ درصد ارزش افزوده را از آن خود کرده‌اند. این گزارش مهم‌ترین نقطه ضعف بنگاه‌های بزرگ اقتصادی در ایران را فقدان تحقیق و نوآوری دانسته و حکم داده عملکرد اقتصادی کشور به دلیل عملکرد ضعیف بنگاه‌های آن است. پایین بودن شاخص بهره‌وری تولید، تغییر مستمر قوانین، حمایت نکردن از تولید و استراتژی‌های اشتباه توسعه‌ای از دیگر عواملی هستند که مرکز پژوهش‌های مجلس گفته در تمام سال‌های پس از جنگ با رویکرد اجماع واشنگتنی (کوچک‌سازی دولت) و تعدیل ساختاری همراه شده و به عقب‌ماندگی اقتصادی ایران منجر شده‌اند. مرکز پژوهش‌ها در ادامه مهم‌ترین پیامد تسلط چنین رویکرد و نگرشی را تدوین نشدن «سیاست صنعتی اصولی» دانسته و نوشته است: «تاکید بر مکانیسم بازار چنان به تفکر غالب در بخشی از اندیشمندان و سیاست‌گذاران کشور بدل شده که حتی هنگام تدوین سیاست صنعتی نیز بر آن تاکید می‌ورزند. متأسفانه برداشت درستی از رویکرد نوکلاسیکی در ایران وجود ندارد. سیاست‌گذاران کشور با برداشتی از نظر به نوکلاسیک که مرتبط با دو دهه قبل است، اساس توسعه را افزایش سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی و راهکار دستیابی به آن را نیز مجموعه‌ای از پروژه‌ها می‌دانند. در حالی که در تمام سال‌هایی که ایران با تمرکز بر رویکرد نوکلاسیکی در حال برنامه ریزی برای توسعه بود، کره جنوبی با کنار گذاشتن و حرکت در مسیری خلاف توصیه‌های نوکلاسیک مسیر توسعه را پیمود.» این گزارش به دولت پیشنهاد می‌کند، به طور فعال در جهت تغییر ساختار اقتصاد عمل کند و با خودداری از تکرار اشتباهات مهلك گذشتگان، با تدوین استراتژی درست صنعتی، اولویت‌بندی صحیح صنایع و افزایش مقیاس بنگاه‌های تولیدی و همین طور سیاست حمایتی هوشمند از صنایع، به مقابله با ناکارآمدی‌ها بپردازد.

عضو هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان فراورده‌های نفتی



● یادداشت ●

● آرمان خالقی ●

عوامل ناکارآمدی بنگاه‌های کوچک و متوسط

در کل کشور بیش از ۸۰ هزار واحد صنعتی وجود دارد که ۴۱ هزار از این واحدها یعنی تقریباً ۵۰ درصد آن در شهرک‌های صنعتی مستقر هستند. ۸۰ درصد از این صنایع را نیز شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که در شهرک‌های صنعتی بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای رشد آن‌ها در نظر گرفته شده است، اما چه می‌شود که یک کسب‌وکار کوچک با تعطیلی مواجه شده یا چرا برخی از آمارها از تعطیلی این واحدها در شهرک‌های صنعتی خبر می‌دهند؟ باید توجه کرد که برخی از این صنایع در شهرک‌های صنعتی هنوز در مرحله تأسیس هستند و ممکن است مجوز تأسیس یا شرایط راه‌اندازی به آن‌ها تعلق نگیرد. بنابراین محاسبه آمارها باید با احتساب این دسته از صنایع باشد. در شرایط فعلی برخی البته تعطیل هستند و برخی با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند نهایت آنکه در مجموع، تعداد اندک واحدهای فعال این شهرک‌ها بر ایند خوبی از وضعیت شرکت‌های کوچک و متوسط در کشور به دست نمی‌دهد، اما یک یاد دو هفته آینده آمارگیری دقیق در خصوص تعداد این واحدها منتشر خواهد شد که تحلیل ما از وضعیت صنایع کوچک را منطقی‌تر می‌کند. اینکه چرا واحدهای کوچک کارآمد نیستند دلایل مختلفی دارد که به طور کلی می‌توان آن را به پنج عامل تأثیرگذار تقسیم کرد: ۱- انتخاب اشتباه طرح و استراتژی بنگاه: گاهی فرد سرمایه‌گذار در شروع یک کسب‌وکار کوچک با انتخاب طرح و ایده به خطا می‌رود. برای مثال، طرحی را برمی‌گزیند که به لحاظ تولید، توجیه اقتصادی ندارد یا آن طرح، برای آن شرایط و این فضا مناسب نیست. بعضی از طرح‌ها هم به طور کلی در یک کشور جواب‌گو نیستند. گاهی هم محدوده تعیین شده برای آن بخش، کوچک است یا فرد کارآفرین صنعت کوچکی را با ظرفیت بالا تولید می‌کند که به دلیل هزینه‌های سربار قادر به رقابت با سایر محصولات مشابه نیست. همین انتخاب اشتباه موجب زیان یا ورشکستگی صنایع کوچک می‌شود. بنابراین اهمیت انتخاب و استراتژی سرمایه‌گذار در پیشبرد برنامه‌های تولیدی واحد صنعتی بسیار حائز اهمیت است. اطلاعات گنجانده شده در استراتژی فرد موردنظر باید دقیق و عملیاتی باشد.

۲- بی‌توجهی به اتفاقات غیرمنتظره در فضای اقتصاد کلان: سرمایه‌گذار با مدیرعامل بنگاه کوچک باید شرایط تحریمی موجود را در نظر داشته و خود را برای اتفاقات غیرمنتظره آماده کند. بعضی مواقع بنگاه درگیر رکودی می‌شود که پیش از این وجود نداشته است و همین باعث برهم زدن محاسبات وی و تجهیز امکانات لازم برای مقابله با این شرایط می‌شود.

۳- ضعف در تامین سرمایه: مشکل عمده‌ای که اکثر سرمایه‌گذاران به‌ویژه فعالان بنگاه‌های کوچک با آن درگیر هستند، تامین مالی و ضعف در دسترسی به منابع است. عدم دسترسی به‌موقع به منابع مالی باعث شده بسیاری از برنامه‌های پیش‌رو در این صنایع با تکلیف باقی بماند و بنگاه نتواند اختیار کافی برای انجام پروژه‌های جدید داشته باشد.

۴- وجود رقابت‌های ناسالم: بنگاه‌های کوچک و متوسط علاوه بر صدمه‌ای که از شرایط رکودی و تورمی می‌بینند، گاهی به‌واسطه فعالیت‌های ناسالم بنگاه رقیب، دچار زیان می‌شوند که این مسئله به‌ویژه در بازارهای صادراتی و بازاری که طرفین به فروش و عرضه محصول می‌پردازند، دیده می‌شود. اصل هر کسب‌وکاری داشتن بازار فروش است که با توجه به این مسئله می‌توان در یافت بنگاه‌های کوچک از عدم توانایی دستیابی به چنین بازاری یا از دست دادن آن بختی زیان می‌بینند.

۵- عقب‌ماندگی بنگاه در به‌کارگیری ابزارهای نوین مدیریتی و توسعه بنگاه: یک واحد کوچک ضعیف، قادر به رشد هماهنگ بخش‌های مختلف خود نیست؛ از بخش مدیریتی گرفته تا نیروی انسانی این ضعف نمودار است. خلأ نیروی انسانی، ناتوانی در جذب نیروی انسانی موفق و توسعه فیزیکی هم‌زمان بنگاه به توسعه فرهنگی و... از پیامدهای آن است.

عضو هیئت مدیره خانه صنعت ایران